سینما

سیاسی‌بازی‌هایی که دامن «به وقت شام» را گرفت!

خبرگزاری فارس در گزارشی در ارتباط با حواشی ایجادشده برای اکران فیلم سینمایی «به وقت شام» نوشت: برخوردهای سیاسی با فیلم «به وقت شام» موجب متوقف شدن اکران این فیلم در بخشی از دانشگاه‌های کشور شده است. به گزارش «وطن امروز»، در بخشی از گزارشی که فارس در ارتباط با این موضوع تهیه کرده، آمده است: «از زمانی که اکران این فیلم سینمایی در دانشگاه‌ها آغاز شده برخی فعالان دانشجویی و اعضای تشکل‌های دانشجویی، نسبت به برخوردهای سیاسی برخی مسؤولان دانشگاهی با این موضوع نگران بودند و اتفاقات اخیر در برخی دانشگاه‌ها نشان داد این نگرانی بی‌دلیل نبوده است. اکران تازه‌ترین ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا که قرار بود روز دوشنبه در دانشگاه هنر نمایش داده شود، بنابر دلایلی لغو شد. مسؤول بسیج دانشجویی دانشگاه هنر درباره این موضوع گفت: «فیلم سینمایی به وقت شام، قرار بود ساعت ۱۴ امروز(دوشنبه) در این دانشگاه اکران شود و همه مجوزهای قانونی برای این کار گرفته شد اما تعداد محدودی از دانشجویان دانشگاه که فکر می‌کنند تفکر غالب دانشگاه هستند معتقدند فیلمی که با تفکر حاتمی‌کیا ساخته شده اجازه اکران در دانشکده سینما - تئاتر دانشگاه هنر را ندارد.» از سوی دیگر مخالفت با اکران «به وقت شام» در دانشگاه خیام مشهد هم صدای دانشجویان را درآورد. مسؤول بسیج دانشجویی دانشگاه خیام مشهد در این باره گفت: «اگرچه بسیاری از دانشگاه‌های کشور برای اکران دانشگاهی فیلم «به وقت شام» لحظه شماری می‌کنند ولی متاسفانه وقتی برای اکران این فیلم درخواست دادیم، مسؤولان دانشگاه گفتند یک ماه دیگر سی‌دی این فیلم به بازار می‌آید و دانشجویان می‌توانند این فیلم را در خانه ببینند و با پخش فیلم در دانشگاه مخالفت کردند!» برخی دانشجویان از اینکه این روند بخواهد در دانشگاه‌های دیگر هم ادامه پیدا کند، ابراز نگرانی کرده و از مسؤولان وزارت علوم خواستند نسبت به این موضوع واکنش نشان دهند.

تلویزیون

شبکه ورزش، برترین شبکه تخصصی از نگاه مخاطبان

شبکه ورزش سیما در آخرین ارزیابی آرای جشنواره مردمی نوروزی صداوسیما با کسب بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار رای عنوان برترین شبکه تخصصی تلویزیون در ایام نوروز را از نگاه مخاطبان به خود اختصاص داد. به گزارش «وطن‌امروز»، نخستین جشنواره مردمی نوروزی صداوسیما این هفته در حالی به کار خود پایان داد که شرکت بیش از ۱۹ میلیون مخاطب در این جشنواره آمار قابل توجهی بود که ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت مخاطبان در ارزیابی از برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی را تأیید می‌کند. بر اساس آخرین نتایج به‌دست آمده از این نظرسنجی عمومی که در ایام نوروز برگزار شد، به ترتیب شبکه ورزش، شبکه قرآن، شبکه امید، شبکه آموزش، شبکه ۴ سیما، شبکه سلامت، شبکه پویا و شبکه مستند از سوی مخاطبان، به‌عنوان برترین شبکه‌های تخصصی تلویزیون انتخاب شدند.

کارگردان «کیمیا» سریال «حضرت معصومه(س)» را می‌سازد

جواد افشار که بتازگی ساخت سریال تلویزیونی «آنام» را به اتمام رسانده است از مقدمات ساخت سریال الف ویژه «حضرت معصومه (س)» برای تلویزیون خبر داد. به گزارش ایسنا، این کارگردان که در پرونده کاری خود سابقه ساخت مجموعه‌هایی چون «کیمیا» را دارد، در پاسخ به این پرسش که پس از مجموعه «آنام» تصمیمی برای ساخت سریال ندارد؟ توضیح داد: قرار است سریال «حضرت معصومه(س)» را بسازم. سال‌هاست به دنبال ساخت آن هستم. در حال حاضر تلویزیون برای ساخت این مجموعه از من دعوت کرده و مقدمات کار انجام شده است. مجموعه «حضرت معصومه (س)» یک سریال الف ویژه عظیم و سنگین است که زندگینامه حضرت معصومه (س) قرار است در آن روایت شود. مقدمات این سریال در حال آماده‌سازی است و اگر شرایط مهیا باشد این سریال قرار است ساخته شود.

نگاهی به زندگی و آثار رضا برجی، عکاس و مستندساز عصر انقلاب اسلامی

پشت لنز حماسه

عکس: علی جباری/تسنیم

وارش گیلانی: دومین همایش «شب وصل» شب گذشته با تقدیر از «رضا برجی» عکاس و مستندساز باسابقه انقلاب اسلامی در مجموعه فرهنگی اسوه برگزار شد. به بهانه برگزاری این مراسم در پرونده‌ای به مرور آثار و زندگی رضا برجی، عکاس و مستندساز عصر انقلاب اسلامی پرداخته‌ایم.

۱- یاد و کار شما هرگز فراموش نخواهد شد، حتی اگر گاهی غفلت رسانه‌ها سبب نادیده گرفتن شما شود، چرا که دید و نگاه مردم مستند است؛ درست مثل کارهای شما که با عکس‌ها و تصویرهای‌تان سند هر واقعه و اتفاق را به نام زمان و نام خود آن واقعه ثبت می‌کنید. شما عظمت لحظه‌ها و صحنه‌ها را ثبت و ضبط کردید و زمان و تاریخ نیز همت و عظمت شما را محفوظ نگاه خواهد داشت. شما ما را و تاریخ را به مکان‌هایی می‌برید که پای کسی هرگز به آنجا نخواهد رسید و حتی چشم‌شان از دور هم آنجاها را نخواهد دید! شما دیدبان‌های صادق و راستین هستید و حرف‌تان سند است. شما سفیران مردم و گوش و چشم و زبان ایشان هستند و نشانه‌های هویت ما با دست‌های شما نشان داده می‌شود؛ اگرچه خود نیز گاه هویت‌سازید. هنگام جنگ همه به دنبال در دست گرفتن اسلحه هستند و شما تسبیح‌گویان با هر فشنگی که رها می‌شود. شما با دوربین‌هایی که در دست‌های‌تان سماع می‌کنند، در حال راز و نیازید. شما دنیا را آینه‌سازید... .

۲- رضا برجی، متولد ۱۳۴۳ زنجان، متاهل و دارای ۳ فرزند، جدش از عیاران منطقه بود و پدرش الگویی برای زندگی بهتر و او خود در مسجد هدایت تهران یکی از خیل بسیجی‌هایی که۲۴ اسفند ۱۳۵۹ عازم جبهه‌ها بودند؛ جبهه‌ای که او را با حقیقت چمران‌ها آشنا کرد و مجروح‌شدن و بعد شیمیایی‌شدن و... تا رسید به آوینی؛ یعنی از عکاسی در لشکر سیدالشهدا(ع) و عملیات بستان و رمضان و خیبر و فاو و شلمچه رسید به سیدمرتضی... از فرمانده دسته بودن و بیسیمچی شدن و مسؤول تبلیغات بودن رسید به سیدمرتضی و روایت فتح در سال ۱۳۶۵؛ آن هم بعد از اینکه فهمید عراقی ناگزیر را که هیچ، حتی دشمن را نباید از پشت زد و نباید در مرگش شادی کرد. رضا از اینجا به آنجا رسید، به آنجا که دانست مستندسازی، فرصت‌سازی و موقعیت‌شناسی است اما نه آنقدر و آنطور که بخواهد از جوان در حال پرپرشدنی عکس بگیرد که به او نگاه می‌کند. رضا از همان بچه‌های جنگ و جبهه‌ای بود که آموخت که گاه باید از ثبت عکس‌های چند میلیون تومانی گذشت و تنها به جاری‌شدن اشک‌ها دل داد و نگریست و مثل یک رزمنده کاری کرد؛ وقتی که دختر ۱۲ ساله‌ای را در شلمچه دیدی که مثل تو ماسک ندارد.

۳- رضا برجی، متولد ۴۳ همدان است. لیسانس عکاسی دارد. شروع فعالیتش از سال ۶۱ تا ۶۳ در حوزه عکاسی جنگ است. از سال ۶۳ تا سال ۷۱ در روایت فتح بود و با این مجموعه همکاری می‌کرد. زمینه فعالیت رضا برجی، مستند اجتماعی، جنگ و بحران در کشورهای مختلف است. رضا برجی در ۷۵ کشور عکاسی کرده و تهیه‌کننده و کارگردان و تصویربردار ۱۵ سریال مستند بوده است. رضا در ایران ۱۵ نمایشگاه انفرادی برگزار کرد و شانس شرکت در نمایشگاه‌های انفرادی لبنان، سوریه، پاکستان، آلمان و ایتالیا را داشت. جایزه بهترین کارگردانی فیلم مستند و جنگ در سومین جشنواره فیلم سینما و نشان فیروزه‌ای «سینماحقیقت» به پاسداشت فیلم مستند «سواحل اشک و زیتون» و ۳ دهه فعالیت هنری از جمله جوایزی بوده که به رضا برجی تعلق گرفته است. مستند «سواحل اشک و زیتون» که مستندی است از جنگ ۳۳ روزه اسرائیل با لبنان و مستند «سال‌های گلوله و زنبق» و «مادران صبربنیتسا» و «لعل بدخشان» و «در امتداد غدیر» و دیگر آثار ارزنده از برجی عکاس و مستندساز عصر انقلاب اسلامی... اینها همه کارنامه هنری رضا برجی است؛ و همه رضا برجی‌نیستند.

۴- رضا برجی کیست؟ رضا برجی همانی است که مهدی چمران و سیدمرتضی آوینی را شناخت؛ همانی که به‌جای گرفتن عکس‌ها و فیلم‌های میلیونی، با دوربینش خاموش گریست. همانی که ماسکش را در منطقه شیمیایی شلمچه به دختری ۱۲ ساله داد. همانی که با از دست دادن عزیزی همواره جنگ را در خانه‌شان احساس می‌کند. همانی که در جنگ ۳۳ روزه لبنان و اسرائیل چون می‌دانست لبنان یک هفته هم دوام نمی‌آورد، پس وصیت کرد و مرگ را بارها به چشم دید. همانی که در ۱۴ جنگ بزرگ دنیا در دهه‌های اخیر مستندهایی از آنها ساخت و رکورد تازه‌ای به نام خود ثبت کرد. رضا برجی، هنرمندی است که از ۱۹ سالگی عکاسی را در جبهه‌ها آغاز کرد. او از اواخر سال ۱۳۶۵ به گروه «روایت فتح» پیوست و یکی از اعضای ثابت این گروه شد و در ثبت تصویرهای جنگی و پشت جبهه در مجموعه ماندگار روایت فتح نقش فعالی داشت. در طول همین سال‌ها و در جریان یکی از بمباران‌های شیمیایی دشمن بود که آسیب دید و زخم‌های این آسیب، هنوز بر جسم و جان او است؛ آنچنان که نیاز به مداواهای مداوم و دشوار دارد. چندی پیش تاثیر مواد شیمیایی بر خونش کار برجی را بار دیگر به بیمارستان کشاند. رضا برجی مردی است که صدای شاتر دوربینش در میان صدای توپ و تفنگ ۱۴ جنگ بین‌المللی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ قطع نشد. رضا برجی مردی است که از جنس عافیت‌طلبی‌های هنرمندان این زمانه نیست. هنرش همراه با خبرنگاری، او را در بین خبرنگاران بحران رکورددار حضور در جنگ کرده است. جنگ‌های ایران و عراق، افغانستان، تاجیکستان، کشمیر هند و پاکستان، قره‌باغ، چچن، بوسنی، کوزوو، لبنان، سومالی، سودان، غزه و جنگ‌های خلیج‌فارس از جنگ‌هایی هستند که برجی در آنها حضور داشته است. تنها ۶ خبرنگار در دنیا هستند که ملامحمد عمر، رهبر طالبان افغانستان را از نزدیک دیده‌اند ولی فقط شاید یک خبرنگار در دنیا وجود داشته باشد که ۳ هفته با اسامه بن‌لادن، رهبر گروه القاعده زندگی کرده باشد و او کسی نیست غیر از رضا برجی.

۵- اما ارزش کار رضا برجی‌ها؛ به قول محسن مومنی‌ها «در آنجا مقام دارد که پای دیپلمات‌ها نیز به آنجا نمی‌رسد؛ آنها دیدبان‌های صادق انقلاب اسلامی هستند و حرف‌شان سند است. آنها سفیران انقلاب اسلامی و گوش و چشم و زبان ما هستند...» و به قول آن جنگ‌زده تاجیکستانی: «کاری که شما با فیلم انجام دادید، ۳۰۰ هزار شهید و جانباز ما نتوانستند انجام دهند. شما حق ما را از یک ظالم گرفتید».

حال ببینیم که رضا برجی خودش را در کنار همکار دیگرش چگونه معرفی می‌کند: «آقای یعقوب‌زاده! من و شما ایرانی هستیم ولی با هم فرقی داریم؛ تو برای آژانس عکس فلان کار می‌کنی، من برای آرمان‌های امام. تو عجله می‌کنی تا عکست زودتر به روزنامه برسد، من برای آگاهی مردم از جنایت‌های اسرائیل عجله دارم. تو می‌گویی جنگ لبنان با تروریست‌های حزب‌الله بوده؛ من می‌گویم جنگ بین صهیونیست‌های اشغالگر فلسطین با نیروهای حزب‌اللهی بود که امام(ره) رهبر آنهاست. آنها مقلد امام هستند و مقلد کسی که مقلد امام(ره) است. فرق من و شما همین است. فرق سعید صادقی هم با شما همین است. فرق علی فریدونی با شما هم همین است. شاید شما در دانشگاه‌های فرانسه عکاسی هم درس بدهی و حتی عکاس بهتری هم باشی ولی شما برای آژانست کار می‌کنی و من برای ولی فقیهم. من برای ولی فقیهم که الان در تهران است کار می‌کنم. شما چطور؟ شما برای اینکه عکست زودتر به خبرگزاری برسد عجله داری ولی من برای آرمان‌هایم می‌جنگم و می‌نویسم و مجروح شده‌ام. و برای آرمان‌ها، در افغانستان ناخن پایم را کشیدند. برای آرمان‌هایم کتک خوردم. و برای آرمان‌هایم کتک خواهم خورد و دوباره مجروح خواهم شد. من سرباز ولایتم. و شما باید جواب بدهی که سرباز چه کسی هستی؟ من خبرنگار ولایتم و با صدای بلند اعلام می‌کنم تا خبرنگارهای داخلی و خارجی بشنوند که رضا برجی خبرنگار ولایت و عکاس ولایت است. حتی اگر شما در رسانه‌های غربی بگویید مزدور، من مزدور ولایتم. من برای ولایت می‌جنگم. خون می‌دهم و اینقدر مرد هستم که در ۱۴ جنگ رفته‌ام. شما چند بار به افغانستان رفتید. من ۱۸ بار. که گاه ۹-۸ ماه تا یک سال طول می‌کشید. آقای آلفرد یعقوب‌زاده، من ۵۰ درصد جانبازم. شما چقدر؟»

۶- زبان من که در بیان مقام هنرمند، آن هم هنرمند جانباز و انقلابی عاجز ماند، شاید شعر شاعر گرانقدر فاضل نظری این نقیصه را تا حدی جبران کند:

اگر چه شمعی و از سوختن نپرهیزی
نبینمت که غریبانه اشک می‌ریزی!
هنوز غصه خود را به خنده پنهان کن!
بخند! گر چه تو با خنده هم غم‌انگیزی
خزان کجا، تو کجا، تک‌درخت من! باید
که برگ ریخته بر شاخه‌ها بیاویزی
درخت فصل خزان هم درخت می‌ماند
تو پیش فصل بهاری نه اینکه پاییزی
تو را خدا به زمین هدیه داده چون باران
که آسمان و زمین را به هم بیامیزی
خدا دلش نمی‌آمد که از تو جان گیرد
اگرنه از دگران کم نداشتی چیزی

یادداشت

مرد عشق و هنر و جهاد!

پژمان کریمی: رضا برجی از آن دست آدم‌هایی است که می‌شود درباره‌اش فکر کرد، می‌توان درباره‌اش نشست و حرف زد، درباره‌اش نوشت و درباره‌اش خواند و درباره‌اش شنید و درباره‌اش دید و تماشا کرد!

رضای سینمای بحران، فرد عجیبی نیست. از کره ماه نیامده است. از جنس ما است. از جنس همه کسانی که می‌شناسیم اما در درون نگاه معنادار و توفنده و در درون سرشار از هیاهویش چیزی دارد و چشمه‌ای فوران می‌کند که دیگران از آن بشدت بی‌بهره هستند. رضای دنیای عکاسی، با همه انسان بودنش، اهل زمین نیست. نه اینکه بال در بال فرشتگان بزند، نه اینکه موجودی ماورایی است؛ نه! اما اهل دنیا و حساب کتاب دنیایی نیست. از جنس آدم‌های ناب و نادر و عاصی است که زندگی را طور دیگری دوست دارند. او زندگی را برای فرشتگی و برای رهایی دوست دارد! او زندگی را نه به‌خاطر ماندن در این دنیا بلکه برای ساختن بال و پر گسستن و آزادی از قیود مادی می‌پسندد. راستش؛ رضا بیشتر از همه ما زندگی کرده است و در درون پیر و پخته شده است. انگار پیش از ما در این دنیا بوده و نفس می‌کشیده است. چرا؟ چون بیشتر از ما مرگ را دیده و مرگ هم او را دیده است. شوخی نیست، سال‌ها خاک جبهه خوردن و زیر گلوله و ترکش رفتن! شوخی نیست که ۱۳ بار گلوله و ترکش سربی و آهنی بدنت را بی‌رحمانه بشکافد و روی زمین بکشد یا پرتت کند اما تو مردانه و دلیر بایستی و مرگ را هیچ‌انگاره به سخره بگیری! رضا مرگ را بد بازی داده و مرگ دل پری از او دارد! بگذریم! مجاهدت رضای سینمای مستند، در درگاه حضرت احدیت و حق مطلق، بی‌پاسخ نمانده است. اگرچه همچنان در «مزرعه دنیا» خوشه خوشه ره‌توشه آخرت می‌چیند اما بال دارد، اوج گرفته است، پرواز را با بال‌های خود قاب هم گرفته است، راه آسمان را بلد است و با تصویرها و هنرمندی دلکشش، حسابی دل ما را می‌برد و می‌سوزاند و ارتفاع نگاهش را به رخ ما می‌کشد؛ پز هنرمندی‌اش را می‌دهد! گفتم که رضا کمیاب است. کمیابی او نه از نوع کمیابی شبه‌روشنفکران وطنی است که مردم‌گریزی خود را مباهات می‌ورزند؛ نه! رضا کمیاب است چون همیشه و در همه حال، در میانه کارزار و جهاد است. معلمش- سیدمرتضی آوینی- گفته بود که جهاد هنوز پایان نیافته است. درست است... پایان نیافته و برای امثال رضا هم پایان نمی‌یابد. چنین است که ذهن و اندیشه رضا، میان بحران‌ها و اندوه این و آن، اینجا و آنجا، ایران و آن سوی ایران، هروله می‌کند. هر جا مظلومی هست و تیغی و بحرانی، دوربین رضا سرگردان آنجاست! سرگردان نه از باب تحیر و ندانستن و بلاتکلیفی! سرگردان و دربه‌در تصویر کردن مظلومیت‌ها و بی‌عدالتی‌ها و رنج‌ها...! همین است که بزرگ‌ترین اشتباه این است: رضا را اهل ایران بدانی و بس! رضا ایرانی است اما همانقدر ایرانی که تاجیک است، که افغانستانی است، که لبنانی و فلسطینی و عراقی است... از بس که با درد همه اهالی اقلیم رنج و تعب خو گرفته و زیسته و پرورده شده و با خون دل مردمان روزگارش کامل عجین شده است. با این حال چگونه می‌شود مرد جنگ و هنرمند سینمای بحران را کمیاب و کم‌نظیر ندانست؟! همه خوبی‌های آقارضا برجی از دریای مواج معرفتش برمی‌آید! رضا خودش هست! خود خوب و مَردش!

خاطره

همتی بلند برای ثبت یادگار آزادگان در موصل

محمدعلی آقامیرزایی*: نوشتن از رضا برجی کار ساده‌ای نیست. رضا مرد ساده‌ای است. ساده که می‌گویم نه از این جهت که پیچیدگی‌های مردان ایرانی امروزی را دارا نباشد، نه! رضا هم مثل تمام مردان این دیار با پیچیدگی‌های هزارلایه ذهنی روبه‌رو است اما ساده است از این لحاظ که وقتی می‌خواهد خودش باشد بدون ترس از قضاوت دیگران به تمام، خودی را که دوست دارد به نمایش می‌گذارد. نخستین‌باری که با او آشنا شدم هنگامی بود که سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران می‌خواست نگاتیوهایش را از جنگ‌هایی که عکاسی کرده، بخرد. در فرهنگسرای پایداری بودم و رضا هم چند جلسه‌ای با یاسر هشترودی برای انجام این کار جلسه گذاشت. آنجا بودم که فهمیدم بیش از ۸ جنگ معاصر را عکاسی کرده است. از افغانستان، چچن و بوسنی گرفته تا لبنان، فلسطین و... تمرکزش را روی عکاسی از جنگ‌های معاصر جهان معطوف کرده و در این رشته کار را ادامه می‌داد. یکی از بزرگ‌ترین عکاسان خبری جهان رکورد ۷ جنگ را در کارنامه خود داشت و رضا توانسته بود این رکورد را بشکند و عکس‌های دست اولی از جنگ‌های معاصر بگیرد. این کار را از افغانستان آغاز کرد و بعد با منازعاتی که در منطقه رخ داد، کار را ادامه داد. بسیار خونگرم و صمیمی بود و خیلی زود رابطه کاری ما به رابطه‌ای دوستانه بدل شد. رضا با اعتقادی که به نیروی بچه‌مسلمان‌های منطقه داشت خیلی زود توانست راهش را بیابد و پیگیری کند. قدرت اعتقاد به راه و هدف همواره برایش نیرویی مضاعف و تمام ناشدنی به ارمغان می‌آورد. رضا خود را وقف کاری کرد که به درستیش ایمان داشت. در همان روزها آمریکا به عراق یورش برد و صدام را از قدرت به زیر کشید؛ این بهترین بهانه برای خبرنگاران و عکاسان خبری برای ثبت این رویداد بود. من با یاسر هشترودی و رضا برجی تصمیم به سفر به این کشور مصیبت‌زده گرفتیم. رضا همراه با کاروان دیگری از راه بغداد رفت و من و یاسر هم از مرز شلمچه از طریق بصره برای ثبت این اتفاق با گذر از استان ملتهب عماره تا بغداد رفتیم. حاصل این سفر در گزارش‌هایی که در روزنامه جوان و نشریه یادماندگار نوشتم ثبت شد. عکس‌های رضا هم در ویژه‌نامه «یادماندگار» به چاپ رسید. در این سفر در پی اردوگاه‌های اسارتی که آزادگان ایرانی در آن روزگار مقاومت خود را سپری کرده بودند می‌گشتیم. به رمادی و فلوجه رفتیم و همچنین اردوگاه‌های موصل که بسیاری از آزادگان هنوز زخم‌هایی از این اردوگاه بر روح و جان‌شان دارند. اردوگاه موصل در آن آشفته‌بازار توسط عشایری فقیر تبدیل به محل اقامتی اجباری شده بود و تمام آثار مقاومت آزادگان در حال نابودی بود. رضا با عکاسی از این اردوگاه توانست لحظاتی از مقاومت قهرمانان صبور ما را در اسارت که بر دیوارهای اردوگاه حک شده بود ثبت و ضبط کند. همین یک کار او ارزش بسیاری دارد و برای فعالیت حرفه‌ای یک عکاس در دنیا و آخرت هم کافی است. در سفر بعدی تمام این دیوارها رنگ شده و آثار و نوشته‌های آزادگان کاملا از میان رفته بود. وضعیت اردوگاه‌های موصل در دوران اسارت آزادگان و نمای کلی این اسارتگاه و دستخط آزادگان ایرانی روی دیوارهای اردوگاه‌های موصل به همت و تلاش رضا برجی از آسیب نسیان و فراموشی زمان جان سالم به در برد و همه در میان نگاتیوهای رضا جاودان شد. برای قدردانی از یک عکاس خبری جنگ همین یک همت کافی است، بگذریم از اینکه رضا در منازعات بسیاری با حضور در صحنه و ثبت وقایع از دیدگاه یک عکاس مسلمان شیعه توانسته دیدگاه متفاوتی را به نمایش بگذارد. همت و ایثار بچه‌های این سرزمین در دفاع‌مقدس چنان فرازی برجسته بود که تمام تلاش بازماندگان را برای ثبت و ماندگاری این لحظات می‌طلبد. در این میان هرکس به قدر بضاعت خود توانسته باری را از دوش فرهنگ پایداری بردارد و گوشه‌ای از این قهرمانی‌ها و سلحشوری‌های فرزندان خاک و آفتاب را جاودان کند. رضا هم با عکاسی از اردوگاه‌های اسارت برای خود توشه‌ای فراهم آورده تا در روز واپسین، شفیع و یاورش باشد. بادا که با همان یاوران آسمانی محشور شود.

*نویسنده ادبیات دفاع مقدس

کتاب

ثبت‌نام بن کتاب نمایشگاه کتاب از ۳۰ فروردین

قائم‌مقام سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران درباره زمان و نحوه ثبت‌نام دانشجویان و طلاب برای دریافت بن کارت‌های خرید کتاب توضیحاتی ارائه کرد. به گزارش «وطن‌امروز»، امیرمسعود شهرام‌نیا، قائم‌مقام سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از آغاز ثبت‌نام بن‌های خرید کتاب دانشجویی و طلاب خبر داد و گفت: زمان ثبت‌نام از روز پنجشنبه (۳۰ فروردین‌ماه) آغاز می‌شود و تا ساعت ۲۴ یکشنبه (۲ اردیبهشت ۱۳۹۷) ادامه خواهد داشت. وی افزود: دانشجویان و طلاب می‌توانند در بازه زمانی ذکر شده از طریق سامانه ثبت‌نام بن‌کارت دانشجویی به آدرس bon.tibf.ir نسبت به ثبت‌نام اقدام کنند. قائم‌مقام نمایشگاه کتاب تهران درباره نحوه ثبت‌نام در این دوره از نمایشگاه گفت: ثبت‌نام در سامانه امسال به ۳ شکل ثبت‌نام با کارت ملی هوشمند دریافت کرده‌اند)، ثبت‌نام به شکل NFC(کارت مجازی) و ثبت‌نام به صورت بن‌کارت فیزیکی خواهد بود که دستورالعمل هر یک از این ثبت‌نام‌ها در سایت ثبت‌نام توضیح داده شده است. وی با تاکید بر اینکه هر دانشجو صرفا می‌تواند یک‌بار برای دریافت بن خرید کتاب اقدام کند، گفت: مبلغ موجود در کارت‌ها یک میلیون ریال است که ۴۰۰ هزار ریال آن به عنوان یارانه کتاب توسط معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۶۰۰ هزار ریال آن نیز توسط شخص دریافت‌کننده کارت پرداخت می‌شود.

بازگشت مجدد رمان «دوازدهم» علی مؤذنی به بازار نشر

رمان «دوازدهم» اثر علی مؤذنی با تغییراتی از سوی نشر «اسم» دوباره منتشر شده است. رمان «دوازدهم» اثر علی مؤذنی که چند سالی مجوز انتشار آن باطل شده بود، از سوی نشر اسم مجوز گرفته و با ظاهری جدید منتشر شده است. بر اساس این گزارش، این رمان پس از انتشار با حواشی‌ای روبه‌رو و مجوز آن از سوی ارشاد لغو شد اما اکنون پس از چند سال با اصلاحاتی با ناشری جدید وارد بازار کتاب شده است. این رمان که با موضوع امام زمان(عج) نوشته شده به مسأله وجود امام زمان(عج) در طول دوره‌های مختلف اشاره دارد و با زبانی هنری با مخاطب سخن گفته است. «دوازدهم» روایتی است از یک نویسنده که پس از روبه‌رو شدن با پیشنهاد نوشتن یک فیلمنامه درباره حضرت صاحب‌الزمان(عج) و در کش‌وقوس‌های پذیرفتن یا نپذیرفتن نگارش آن در خلوتی با امام زمان(عج) به ناتوانی خود در محضر امام اعتراف و سپس از ایشان طلب نشانه‌ای در این مسیر می‌کند تا بتواند در این راه با انرژی و انگیزه دوچندان قلم بچرخاند. چاپ جدید رمان «دوازدهم» اثر علی مؤذنی با ظاهری جدید در ۳۰۴ صفحه با قیمت ۲۵ هزار تومان از سوی نشر اسم راهی بازار می‌شود.

سینمای جهان

رکورد دست‌نیافتنی استیون اسپیلبرگ

برای نخستین‌بار در تاریخ سینما مجموع فروش فیلم‌های یک کارگردان از مرز ۱۰ میلیارد دلار عبور کرد. به گزارش خبرآنلاین، با فروش فوق‌العاده فیلم «شماره یک، آماده» مجموع فروش فیلم‌های استیون اسپیلبرگ از مرز ۱۰ میلیارد دلار عبور کرد. او نخستین کارگردان تاریخ سینما است که به این رکورد می‌رسد. این رقم با در نظر گرفتن تورم به دست آمده است. «شماره یک، آماده» تازه‌ترین اثر سینمایی استیون اسپیلبرگ هم‌اکنون در سراسر جهان روی پرده سینماست. این فیلم در آمریکای شمالی به فروش ۱۱۴ میلیون دلاری دست یافته است و از این نظر در رده آثاری چون «پارک ژوراسیک»، «ای‌تی» و «آرواره‌ها» قرار می‌گیرد. از دیگر فیلم‌های پرفروش اسپیلبرگ می‌توان از «ایندیانا جونز و پادشاهی جمجمه بلورین»، «مهاجمان صندوق گمشده» و «نجات سرباز رایان» نام برد. به نظر نمی‌رسد جایگاه اسپیلبرگ به عنوان پول‌سازترین کارگردان تاریخ سینما به این زودی‌ها متزلزل شود چرا که نزدیک‌ترین رقیب او پیتر جکسون با فاصله زیادی از وی قرار گرفته است. فیلم‌های کارنامه کاری پیتر جکسون خالق دنیای سینمایی «ارباب حلقه‌ها» در مجموع بیش از ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار فروش داشتند.